

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Idiologic

ایدئولوژیک

تتبع و نگارش : امین الدین « سعیدی »
مدیر "مرکز مطالعات ستراتیژیک افغان"
و مسؤول مرکز فرهنگی "د حق لاره" – جرمنی

بسم الله الرحمن الرحيم

خودکشی

یا عمل انتحاری



خوانندگان گرامی!

حین بررسی و پژوهش بالای معانی و مفاهیم لغت و اصطلاحی باید دقت نمود تا فراموش نکرد که هر لغت، واژه و اصطلاح از خود تذکره (ID کارت هویت) دارد. هر لغت، واژه و اصطلاح حد اقل دارای معانی تحتاللفظی و اصطلاحی میباشد. معانی لغوی و تحت الفظی در طول تاریخ پیدایش لغت و یا واژه چندان تغییر نکرده، اما معانی اصطلاحی به مرور زمان تغییر نموده ابعاد وسیع و مفاهیم متفاوت را گرفته میتواند. این مسأله خاصاً در مورد واژه ها و اصطلاحات سیاسی حاد تر است. پیشکش کردن و ارائه تعاریف جامع و مانع یعنی تعاریفی که در بر گیرنده تمام مشخصات و صفات یک اصطلاح، واژه و لغت باشند و منع کننده صفات و مشخصات لغت و اصطلاح دیگر باشد، نیز ضروری پنداشته میشود. مثلاً تلاش و زحمت کشیدن برای کسب رزق حلال هم تلاش و عرق ریزی است، اما تلاش و عرق ریزی برای غصب مال شخص دیگر هم تلاش و عرق ریزی است. مطمئناً که تلاش و عرق ریزی برای کسب رزق حلال با تلاش و عرق ریزی برای غصب مال شخص دیگر تفاوت دارد.

مفهوم لغوی خود کشی واضح است. اما اصطلاحاً خود کشی یا عمل انتحاری دو مرحله و مفهوم تقریباً مستقل میباشد. به این معنا که خودکشی منحصر به خود انسان گردیده در حالی که عمل انتحاری کشتن خود به قصد و مفهومی است که طی این عمل شخص خود را بخاطر از بین بردن و یا تخریب هدفی و یا از بین بردن کس و یا اشخاص دیگر کشته و نابود می نماید. یعنی هر عمل انتحاری به قصد خود کشی است اما هر عمل خودکشی عمل انتحاری نیست. موضوع بحث امروزی ما هم به طور عمده همین **عمل انتحاری با جوانب سیاسی و عقیدتی است تا خود کشی.** درین مبحث و پژوهش موتیف، انگیزه، اسباب و عوامل عمل انتحاری، حالات روانی، مبرر، برحق بودن و عدم آن و بالاخره جواب دادن به سؤالی که آیا وسیله انتخاب شده ما را به هدف میرساند و یا خیر؟ نکات بس مهم و اصلی میباشند که به مکت کردن جدی ضرورت داشته و رهنمودی میباشند.

عمل انتحاری را همچنان میتوان به نوعی خود کشی به اساس عقیده نام گذاشته و توجیه نمود. یعنی به اساس عمل عقیدتی عمل انتحاری اجراء کردن به مقصد دیگر کشی و صدمه زدن به غیر (دشمن). در این نوع از خود کشی شخص دست به طرح و اجرای یک پروگرام یا نقشه تخریبی میزند که طی آن شخص قصد میکند، خود را وسیله آسیب زدن و یا از بین بردن دشمن قرار دهد.

چنانچه گفته آمدیم تأکید میکنم که **خودکشی با عمل انتحاری** تفاوت داشته در عمل خود کشی به مفهوم اولی و ساده کلمه مثلاً شخص میخواهد خود را از مشکلات روزگار زندگی نجات دهد. ولی در عمل انتحاری، انتحار کننده و یا هم مغز متفکر دیگر دارای هدفی است که برای بدست آوردن آن هدف، دست به عمل و یا طرح یک پلان زده که با تطبیق آن توسط انتحار کننده، موجب مرگ خودش و دیگران میشود. در عملیه انتحاری فرد انتحاری معمولاً مرگ خویش را نسبت به هدفی که برای خود تعیین کرده است، کوچکتر شمرده و برای دست یابی به آن جان خویش را فدا مینماید.

بحث تاریخچه عمل انتحاری یک بحث طولانی و مانند خود عملیه مذکور یک بحث جنجال برانگیز و پیچیده است. اما به صورت مختصر در یک دید بسیار کوتاه میتوان خلص کرد که عمل انتحاری در مشرق زمین به یک هزار سال قبل از امروز میرسد. ولی با تأسف باید گفت که انگیزه اعتقادی انتحار با گذشت ده قرن تغییر نکرده و انتحارکنندگان قرن بیست و یکم در اکثر موارد بناء بر یک توجیه از لحاظ رشد فکری هنوز در سطح فکری هزار سال قبل از امروز قرار دارند.

ادوارد برون، شرق شناس مشهور انگلیسی مؤلف کتاب مشهور تاریخ ادبیات فارسی مینویسد که: حرکت اسماعیلیان (**حشاشین**) به رهبری حسن صباح هزار سال قبل از امروز با دادن وعده بهشت به افراد خویش آنها را وادار به انجام عمل انتحاری مینمود.

در جمله بزرگترین نمونه های عمل انتحاری در جهان معاصر را میتوان بدون شک حملات ۱۱ سپتمبر ۲۰۰۱ در امریکا نام گرفت. چنانچه همه به خاطر داریم طی آن ۱۹ حمله کننده با به کنترل درآوردن ۴ پروند هواپیما مسافربری برعلاوه دیگر دو برج مرکز تجارتی جهانی را در نیویارک به لرزه درآورد و منهدم نمودند. چنانچه میدانید به موجب آن ۲۹۷۳ انسان بی گناه به قتل رسیدند. درین سلسله همچنان می توان از حملات انتحاری مترویی (ریل زیر زمینی شهری) شهر لندن انگلستان و حملات انتحاری فلسطینی ها علیه اهداف اسرائیلی و حملات انتحاری در عراق و کشور عزیز ما افغانستان نام برد.

در یک کتگوری خاص حملات انتحاری را میتوان به دو دسته تقسیم کرد:

- ۱- **حمله انتحاری با هدف مشخص**
- ۲- **حمله انتحاری بدون هدف مشخص**

در عملیه انتحاری با هدف مشخص:

مقصد و هدف شخص انتحاری و یا مغز متفکری که عمل انتحاری را سازمان داده، رساندن ضرر به فرد یا افراد معین و مشخص میباشند. درین عملیه ممکن است افراد دیگر حاضر کاملاً بی گناه و نامرتبط به هدفی که انتحار کننده آنها هدف قرار داده، در محل حادثه نیز ضرر دیده و یا از بین رفته و به قتل برسند. مختصراً تلاش برای یافتن مبرر به ضرر رسانی و یا قتل انسان بی گناه با این عمل به هیچ صورت وجود داشته نمیتواند و نیست.

اما در عملیه انتحاری بدون هدف مشخص: معمولاً برای نا امن کردن فضای اجتماعی و سیاسی مورد نظر و برانگیختن ترس و وحشت عمومی طراحی میشود. عملاً غیر قابل تردید است که در براه انداختن این نوع از

عملیات انتحاری ساختمان ها، وسایط و انسانها از بین رفته و به قتل انسانهای بی گناه می انجامد. طراح و یا طراحان و مغز متفکر عمل انتحاری یا خود شخص و در اکثر موارد افراد غیر از شخص انتحاری میباشد.

با تأسف در کشور عزیز ما افغانستان به استشاره، هدایت، سازمان دهی اجانب خاصاً مراجع استخباراتی همسایگان اعمال انتحاری تحقق یافته و در اکثر موارد آنرا صبغه دینی نیز میدهند. به راه انداختن همچو عملیات نوعی از ترس و رعب در جامعه ایجاد نموده و دلیل ترس همگانی شده که در نتیجه آن خسارات زیاد جانی و مالی به مردم بی گناه ما عاید میگردد. کنترل و جلوگیری از عمل انتحاری عملاً مشکل و در مواردی، نا ممکن میباشد. علت آن هم بسیار ساده و قابل فهم است. فردی که خود را آماده مرگ و انتحار نموده است دیگر ترسی از چیزی به خود راه نمی دهد و غیر قابل مهار است.

اسباب و عوامل خودکشی و یا عمل (انتحاری)

اول :

در صورتیکه انگیزه عمل انتحاری عقیدتی باشد. درین صورت اگر مستقیم به مشکل کشور خویش متمرکز شوم. اولین و اساسی ترین عامل آن عدم آگاهی لازم انتحار کننده، به دین میباشد. بلی جاهلیت و عدم آگاهی لازم و دقیق از مفاهیم و جوهر واقعی دین آسمانی و درین سلسله دین مقدس اسلام است. دینی که برای سعادت دنیا و آخرت انسان نازل گردیده، دینی که هدایت دارد و (لا تنس نصیبک من الدنیا - الآیه)، دینی که سفارش دارد زندگی کن و برای زندگی آمادگی بگیر مانند اینکه برای ابد زنده هستی. و برای مرگ آمادگی بگیر مانند اینکه فردا میمیری، دینی که در آن نص پاک صراحت دارد (و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه - الآیه)، خود را به قصد به تهلکه نیندازید. **دینی که دین دنیا و آخرت است، دینی که میفرماید:**

« **من قتل نفساً بغير نفس قتل الناس جميعاً** » ، در دین که رهبانیت، افراط و تفریط منع شده، چطور میتواند انسان ها را به از بین بردن خود و انسانهای بی گناه دیگر تشویق کند؟

دین که هدایت صریح دارد (**من قتل مؤمناً متعمداً فجزاه جهنم خالداً فیها - الآیه**) کسی که مؤمن را به قصد به قتل میرساند جزایش جهنم است، که بطور ابد در آن خواهد ماند. **در ابد ماندن در جهنم جای غیر مسلمانان یعنی کفار است، ولی قرآن عظیم الشان قاتل مؤمن را به بقاء در جهنم به طور ابد وعده و تنبه میکند.**

به همین اساس گفته میتوانیم که شخص انتحار کننده نسبت عدم درک درست مفاهیم و هدایات اسلام نسبت عدم درک احکام الهی و استنباط از قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم توانمندی آنرا ندارد تا بین **حلال و حرام** فرقی را بعمل آرد و حتی به این هم نمیداند که آیا **کشتن افراد بیگناه در اسلام جواز دارد یا خیر و یا کاملاً حرام است؟**

حین تفکر به این اعمال و بخصوص حرکات افراطی بخش از مسلمانان و سازمان دهندگان اعمال تروریستی و انتحاری به فکر شعر شاعری میافتم که میگوید:

ترسم نه رسی به کعبه ای اعرابی
این ره که تو میروی به ترکستان است

دوم :

دومین عامل عدم دسترس این افراد به معلومات و اوضاع جهانی و در نهایت تحت تأثیر قرار گرفتن تبلیغات نادرست علمای متعصب دینی است. و یا دقیق تر بگویم افرادی که برای شان اهداف سیاسی بالاتر است نسبت به ارزش ها دینی و از مفاهیم دینی نیز تعبیر غیر دقیق و خطاء دارند.

سوم:

از انجائی که که منابع عمده دین اسلام به زبان عربی است و در کل معرفت مردم افغانستان به توضیح و تشریح علمای محدود دین قرار دارد و بخي ازین علماء یا عالم نما است و یا هم از جمله علمای دینی اند که بنا بر عوامل مختلف جایز و ناجایز بجای اینکه مصروف تدریس واقعیت های حقیقی و هویت واقعی اسلام گردند شنوندگان و شاگردان مدارس و طلبه علم را به مسایلی مصروف می سازند که با جوهر دین مقدس اسلام و حکمت احکام اسلامی در تضاد است. از موتیف و انگیزه آن درست و برحق باشد و یا ناحق، اگر عمدی باشد و یا خطاء ، در هر صورت ضرری که ر نتیجه آن مترتب میشود غیر قابل تصور و در اکثر موارد جبران ناپذیر است. مادر بی فرزند میشود، خانم بی شوهر، پسر بی پدر، انسان بی گناه زندگی و یا عضو بدن خویش را از دست میدهد - این و دهها مشکل دیگر. از همه بالاتر که دین مقدس اسلام به عوض اینکه دین امن و امان، دین اخوت و برادری، دین عفو

و گذشت، دین صله و عاطفه، دین انسان و انسانیت معرفی و پیشکش شود، برعکس دین تشدد، دین ارهاب، دین ترس و رعب، دین افراط و اکستریسم معرفی شده و جهانیان از آن ترسانده میشوند.

به یک مطلب توجه کنید! نسل جوان و آنها که به ادیان دیگر مراجعه میکنند و از اسلام رو میآورند به کدام استدلال به چنین اشتباه و تخلف متوصل میشوند؟ گناه این به گردن کی خواهد افتاد؟ تعمق به این سوالات و جواب آنها ما را باید به اشتباهات متوجه سازد. خصوصاً آنها نیکه به قصد خیر موجب شر میشوند.

چهارم: عامل اعتقادی:

هدف از عامل اعتقادی همان کسب مقام عالی شهادت و رفتن به جنت میباشد. ای کاش انسان به این درجه نایل میشد اما متأسفانه تمام شواهد قراین و احکام دین اسلام و نتیجه عمل انتحاری را چنانچه در بالا تشریح کردم سبب اذیت، کشت و خون انسانهای بی گناه شده و قهر و غضب خداوند متعال متوجه آنانی خواهد شد که این عمل را اجراء و یا سازمان دهی مینمایند.

پنجم: عامل اقتصادی:

پنجمین عامل را میتوان عامل اقتصادی مسمی نمود. که عبارت از فقر و پیچارگی، بیکاری، کرسنگی، قرضداری میباشد.

ششم: عامل یأس و ناامیدی:

ششمین عامل را علماء عامل یأس، ناامیدی، ضعف مقابله نظامی، مسمی نموده اند: زمانی که انسان نیروی مقابله رو در رو با دشمن خود را نداشته باشد عملاً دست به انتحار میزند و یا افراد دیگر را به این عمل آماده میسازند.

هفتم:

در موارد معین ظلم ها، دشمنی های شخصی و همین عملیات نظامی ظالمانه کور و بی هدف که به راه انداخته میشود و به اثر این بمباردمان ها قریه ها و منازل مسکونی مردم تخریب میگردد و انسان های بیگانه اطفال، زنان و مردم بیدفاع بقتل میرسند - نیز موجبات و عوامل عمل انتحاری و انتقامی را تشدید میبخشد. در مجموع گفته عکس العملی در مقابل یک عمل و یا واکنشی در برابر واکنشی است که باید دقیق مورد مطالعه و بررسی قرار داده شود.

هشتم:

همچنان یکی دیگری از عوامل انتحاری بخصوص در کشور عزیز ما افغانستان را میتوان عدم تطبیق قانون، فساد اداری در ادارات دولت و تلف کردن حقوق حقه و شرعی افراد جامعه مسمی نمود ..

ولی در تحلیل نهایی گفته میتوانیم که:

عملیه انتحاری در کشور ما ریشه خارجی داشته و این تا کتیک جنگی است که خارجی ها میخواهند آنرا بر کشور ما غرض تحقق اهداف سیاسی و نظامی خویش براه بیندازند. عوامل بالا صرف سبب تشدید آنها میگردد.

کشور های همسایه و ذینفع در افغانستان بخاطر ایجاد درد سر برای امریکایی ها و غربی ها میخواهند افغانستان را مورد استفاده خویش قرار دهند و اهداف خویش را توسط آنها برآورده سازند. کشور های بیگانه و خاصاً همسایه ها میخواهند با مصروف ساختن افراد مذکور در افغانستان در واقعیت سبب تقلیل و حل مشکل کشور خویش به قیمت جان مردم افغان شده و مشکل خویش را در افغانستان حل میدارند.

با صراحت تام گفته میتوانیم که مرکز عمده این مراکز انتحاری در قدم اول در مدارس دینی در پاکستان و کشور ایران فعال بوده و به منظور سازماندهی اعمال تروریستی به طور منظم به کشور ما گسیل داشته میشوند. مبحث اینکه کدام مراجع و محافل، مراجع و یا محافل رسمی و یا سازمانها و گروههای شخصی؟ و یا چه روابط در ایجاد و تمویل مراجع و محافل رسمی و شخصی وجود دارد بحث است ضروری و مستقل.

نظریات علمای اسلام

در مورد خودکشی و اعمال انتحاری

چنانچه در بالا نیز به شکل مختصر متذکر شدم اگر به نظریات علماء، مفسران و فقهای دینی دین مقدس اسلام درمورد اعمال انتحاری مراجعه نمائیم، بوضاحت تام در خواهیم یافت که ایشان تحقیقات لازم در زمینه ارائه نداشته اند. عامل عدم تحقیق در این عرصه ناشی از عدم موجودیت سلاح پیشرفته و انفجاری در آن زمان بوده است.

ولی زمانیکه انسانها دست به اختراع سلاح های پیشرفته از جمله سلاح های انفجاری یافتند همزمان با پیدایش آن، عملیات انتحاری به شکل فعلی آغاز یافت.

فقها و مفسرین در عمل انتحاری بدو دسته منقسم گردیده اند:

دسته ای از فقها و مفسرین اعمال انتحاری را تایید و آنرا مطابق شرع و دفاع مشروع و به اصطلاح اعمال استشهادی یا شهادت طلبانه قلمداد نموده اند.

امام محمد بن الحسن الشیبانی در کتاب خویش (السیر ۱ / ۱۶۳) مینویسد: «انسانی که به تنهایی بر دشمن حمله کند و این حمله بمنظور عزت دینش صورت بپذیرد و جان خود را در آن به شهادت برساند. بر اثر این شهادت او زندگی ابدی را نصیب میگردد یعنی هلاک نه بلکه به بهشت میرود.

او می افزاید اگر شخصی به تنهایی بر دشمن حمله کند و میداند که کشته میشود ولی بر اثر این کشتن فایده ای برای مسلمانان میرسد، به بهشت میرود.

ولی اگر شخص انتحاری بداند که به این عملش فایده ای برای مسلمانان نمی رسد، دراین صورت برای این شخص انتحار کننده لازم نیست که دست به چنین اقدامی بزند. چرا که با این عمل، برای اسلام کدام اعزاز نصیب نميگردد بلکه تنها جانش را از بین می برد.

علامه ابن حجر میگوید که اگر عمل انتحاری برای تضعیف روحیه دشمن صورت گیرد، این عمل انتحار کننده از جانب جمهور علماء مورد تأیید است و برای شخص انتحار کننده اجازه انتحار میدهد. ولی اگر این کار صرف برای ایجاد ترس و رعب در بین مردمان جامعه باشد، (انتحار بی هدف)، این عمل انتحار کننده، عمل خوب نبوده و عمل ممنوع میباشد. به خاطر اینکه این عمل در نهایت امر به ضرر مسلمانان می انجامد. (سبل السلام ۲ / ۴۷۳).

همچنان علمائی که موافق اعمال انتحاری اند استناد نظریات عقیدتی خویش را بر حدیث که از حاکم روایت گردیده است مینمایند:

در این حدیثی آمده است:

مردی از پیامبر صلی الله علیه و سلم پرسید یا رسول الله، آیا اگر بر مشرکان حمله کنم و تا لحظه مرگ با آنها بجنگم، داخل جنت خواهم شد؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود بلی. آن مرد هم پس از شنیدن سخنان پیامبر صلی الله علیه و سلم به صفوف مشرکان حمله ور شد و تا مرگ با آنها می جنگید.

ولی باید گفت این امر پیامبر اسلام مربوط به جهاد و مقابله با نیروهای نظامی دشمن است.

پیامبر اسلام در امر مقدس جهاد بر همه اهداف جنگی دوران جاهلیت که منجر به چور و چپاول، تخریب و ویرانی و تجاوز به عفت زنان و قساوت با ناتوانان و نوزادان و اطفال و نابودی کشتزارها و فساد در روی زمین میشود خاتمه داد.

جنگ در دین مقدس اسلام به کلمه مقدس جهاد تغییر نام یافت. و امر جهاد برای خدمت اهداف شرافتمندانه و مقاصد والا و غایاتی پسندیده در آمد که جامعه بشری در هر زمان و مکانی به آن می بالدد.

جهاد اسلام عبارت از مجاهدتی است که انسان را از چنگال نظام جور و ستم رهایی بخشیده و برای برقراری نظام عدالت و انصاف و در نهایت در برقراری نظامی که در آن نیرومند، به نظامی که نیرومند توان پایمال کردن حق ضعیف را فاقد شود و بتوان حق ناتوان را از توانا باز پس گرفت.

در حدیثی سلیمان بن بریده از پدرش روایت نموده است: چون رسول صلی الله علیه و سلم کسی را به عنوانی قوماندان و سر لشکر سپاه یا سریه می فرستاد او را به رعایت تقوی در مورد نزدیکان و مقرباتش توصیه میفرمود و از او میخواست تا با مسلمانان همراهش به شیوه ای پسندیده رفتار نماید. آنگاه می فرمود: «جهاد و پیکار کنید به نام خدا و در راه خدا با کسانی که به خداوند کفر ورزیده اند، پیکار کنید اما خیانت و ناجوانمردی نکنید، مثله مکنید و کودکی را مکشید»

پیامبر اسلام به آسانگیری نیز فرمان داده و می فرماید: « آسان گیرید و سختگیری مکنید ، مردم را به خود گرایش دهید و از خود مرانید » (صحیح مسلم ج ۲ ص ۸۲ و ۸۳ المعجم الصغیر ، طبرانی ج ۱ ص ۱۲۳ ، ۱۸۷).

پیامبر صلی الله علیه و سلم اگر شبانگاه به قومی می رسید ، بر آنان حمله و یورش نمی برد تا آنکه سپیده می دمید.

از سوزاندن مردم در آتش اکیداً منع کرده بود . از کشتن کسی که در بند است و از زدن و کشتن زنان و از غارت و چپاول نهی کرده و فرمود : « مال غارتی از گوشت مردار حلال تر نیست » همچنین از تباہ نمودن کشت و نسل و بریدن درختان منع فرموده است .
در هنگام فتح مکه هدایات اکید صادر فرمود: « به هیچ وجه مجروح و اسیر را مکشید و فراری را تعقیب مکنید ».

همچنان در حدیثی که از حضرت علی کرم الله وجهه روایت است که رسول صلی الله علیه و سلم فرموده است « از به کارگیری سم (زهر) در شهرهای مشرکین نهی کرده است . پیامبر خدا از کشتن زنان و اطفال در جنگ منع فرموده اند مگر اینکه در کارزار جنگ مشارکت داشته باشند. »

در احادیث متبرکه تذکر رفته است که : پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و سلم زمانی که گروههای حربی و نظامی خویش را به سوی جبهات دفاعی اعزام میداشت اکیداً به ایشان هدایت میفرمود:

(... ولا تقتلوا شیخاً فانیاً ولا طفلاً صغیراً ولا امرأة ولا تغلوا واصلحوا واحسنوا ان الله يحب المحسنين) الشامي (۱۳۱۴ : ۶ / ۷).

(موسفیدان ، پیرمردان ، اطفال و زنان را بقتل نرسانید ، خیانت نکنید ، صلح را در پیش گیرید ، نیکی کنید ، که پروردگار نیکو کاران را دوست دارد).

پیامبر صلی الله علیه و سلم به سپاهیان و مجاهدین خویش اکیداً دستور میداد :
« ای بندگان خدا ! برای خدا و در راه خدا جهاد کنید، و همیشه از درگاه پروردگار کمک جوئی و استعانت کنید . ای مردم! کفار را پس از کشتن « مثله » ننمایید ، یعنی چشم و گوش و بینی و دیگر اعضای آنان را نبرید ، اطفال و زنان و پیرمردان و راهبان آنان را به قتل نرسانید و درختان آنان را جزء در هنگام ضرورت نبرید ، و هر گاه یک نفر از شما مشرکی را امان دهد ، امان او را محترم شمرده و امانش دهید تا آنکه آن مشرک کلام خدا را بشنود . هرگاه اسلام اختیار نمود برای شما خواهد بود ، و اگر اسلام اختیار نکرد به جای خود برگردد و از خداوند توفیق جهاد را بخواهید .

ای مسلمانان! هیچ گاه نخلستان ها را نسوزانید ، و کسی را به آب غرق ننمائید ، درختان میوه دار را از ریشه و بن نکنید و زراعت و محصول آنها را آتش نزنید.»

همچنان تعدادی کثیری از علماء و فقهای اسلام براه انداختن اعمال انتحاری را که موجب قتل نفس انسانان بیگناه بخصوص اطفال و زنان میگردد حرام اعلان داشته. و میگویند که انتحار کننده، به هیچ صورت جای در بهشت داخل نمیشود.

شیخ عبد العزیز آل شیخ مفتی کشور عربستان سعودی و شیخ الازهر شیخ محمد سید طنطاوی ، طی فتواهای شرعی اعلام داشته اند که : این عملیات در صورتی استشهادی است که علیه سربازان باشد نه علیه کودکان و زنان و انسانهای بیگناه . شیخ محمد سید طنطاوی میگوید :
« هیچگونه وجه شرعی برای این نوع عملیات نمی بینم و آن را جهاد در راه خدا نمی دانم . »

پرهیز از قتل نفس در اسلام

خداوند متعال در (آیه ۶۸ سوره فرقان) میفرماید : « ولا يقتلون النفس التي حرم الله الا بالحق » «آنان انسانی را که خداوند ریختن خونس را حرام شمرده - جز به حق - نمی کشند »
در دین مقدس اسلام گناه آدم کشی بی نهایت سخت بوده و مجازات شدیدی برای آن قرار داده شده است ؛ خداوند متعال میفرماید :

« و من یقتل مؤمناً متعمداً فجزوه جهنم خالداً فيها وغضب الله علیه و لعنه و اعد له عذاباً عظیماً » (سوره نساء آیه : ۹۳)

« و کسی که فرد مؤمنی را از روی عمد بکشد (از ایمان او باخبر بوده و تجاوز کارانه او را بقتل برساند و چنین قتلی را حلال بداند ، کافر بشمار می آید و) کیفر او دوزخ است و جاودانه در آنجا می ماند و خداوند بر او خشم می گیرد و او را از رحمت خود محروم می سازد و برای او عذاب بزرگی آماده می کند. »
خواننده محترم توجه باید کرد :

در این آیه مبارکه پروردگار ما چهار گونه مجازات شدیدی را برای قاتل و مرتکبین اینگونه این عمل شنیع در پیش گرفته است :

- ۱- خلود و جاودانگی در دوزخ .
- ۲- غضب الهی .
- ۳- لعنت خدا.
- ۴- عذاب بزرگ .

همچنان خداوند پاک در (آیه ۳۲ سوره مائده) میفرماید :
« من قتل نفساً بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جمیعاً من احیاها فکانما احیا الناس جمیاً » .
« هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل ، یا فساد در زمین بکشد ، چنان است که گویی همه انسانها را کشته است و هر کس انسانی را از مرگ رهائی بخشد ، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است. »

برخی از علما بدین باور آند : کسانی که با سلاح کشنده بقتل میرسانند و افراد یک جامعه را میترسانند و امنیت جامعه را بخطر مواجه می سازد . چنین شخصی به عنوان « محارب با خدا و مفسد فی الارض » معرفی شده و حکومت اسلامی حق دارد او را محکوم به اعدام نماید.

طوری که قرآن عظیم الشان در مورد حکم صریح و آشکار را بیان فرموده میفرماید :
« انما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فساداً ان یقتلوا او یصلبوا او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدینا ولهم فی الآخرة عذاب عظیم » (مانده : آیه ۳۳)
« کیفر کسانی که (بر حکومت اسلامی می شورند و بر احکام شریعت می تازند و بدین وسیله) با خدا و پیغمبرش می جنگند ، و در روی زمین (با تهدید امنیت مردم و سلب حقوق انسانها ، مثلاً از راه رهنی و غارت کاروانها) دست به فساد می زنند ، این است که (در برابر کشتن مردم) کشته شوند ، یا (در برابر کشتن مردم غضب اموال) به دار زده شوند ، یا (در برابر راهزنی و غضب اموال ، تنها) دست و پای آنان در جهت عکس یکدیگر بریده شود ، و یا این که (در برابر قطع طریق و تهدید ، تنها) از جایی به جایی تبعید گردند و یا زندانی شوند . این رسوایی آنان در دنیا است ، و برای شان در آخرت عذاب بزرگی است . »

در دین مقدس اسلام وضع قانون طوری عادلانه تنظیم و پیش بینی گردیده است که اگر به نطفه منعقد در رحم مادر هم تجاوز صورت گیرد ، آنرا گناه کبیره محسوب داشته و دیت سنگینی را برایش وضع نموده است .

گناه قتل نفس در گفتار پیامبر اسلام

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است : هر گاه دو نفر مسلمان بدون حق شمشیر به روی هم کشیدند و یکی از آنها در میان کشته شد ، هر دو اهل جهنم خواهند بود ، یکی از صحابه از پیامبر صلی الله علیه و سلم پرسیدند : مقتول چرا اهل جهنم میشود ؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم در جواب فرمودند : « لانه اراد قتلا »
زیر مقتول نیز اراده و نیت کشتن طرف مقابل را کرده بود ، منتها به مرادش نرسید و خودش کشته شد .

در حدیث دیگری از ابو سعید خدری روایت است : به پیامبر صلی الله علیه و سلم خبر دادند که یکی از مسلمانان کشته شده ، ولی معلوم نیست که قاتلش کیست . پیامبر صلی الله علیه و سلم در حالی که اثر قهر در چهره مبارکش نمایان بود ، به مسجد رفت و بر منبر قرار گرفت و پس از حمد و ثنا گفت :

مسلمانانی کشته میشود و کسی از قاتل او خبر ندارد ! قسم به خداوندی که جانم در اختیار اوست . هر گاه اهل آسمانها و زمین برای کشتن یک نفر مؤمن اتفاق کنند ، یا به آن راضی شوند ، خداوند همه آنها را وارد آتش دوزخ گرداند ! قسم به خدا هر شخصی از روی ظلم تازیانه ای به کسی بزند ، در روز قیامت در میان آتش دوزخ مثل آن تازیانه را به او میزنند .

چنانچه گفته آمدیم علمای اسلام بدین باور اند که : انسان همانطوریکه حق ندارد ، حیات و زندگی را از دیگران سلب کند اجازه ندارد که حتی به زندگی خود هم خاتمه دهد و یا عملی را انجام دهد که منجر به خود کشی گردد .

نفس نعمتی از نعمت هایی است که پروردگار برای ما انسان ها عطاء فرموده است. زندگی است که استفاده از سایر نعمت توسط همین زندگی میسر و امکان پذیر میگردد. بدین اساس حفظ این نعمت الهی از مهمترین مسؤولیت های و وظایف انسانی ما انسانها به شمار میرود.

در دین مقدس اسلام همانطوریکه کشتن دیگران ، حرام و گناه است، خودکشی و یا انتحار هم نوعی جرم و انحراف از احکام الهی بحساب می آید .

خودکشی یا انتحار در جامعه ای که بر اساس معیار های اسلامی بناء شده باشد، **گناه و قتل نفس محسوب میشود قتل نفس که پروردگار با عظمت ما از آن مسلمانان را جداً منع فرموده است .**

خداوند پاک میفرماید :

« **ولا تقتلوا انفسکم ان الله کان بکم رحیماً و من یفعل ذلک عدواناً و ظلماً فسوف نصلیه ناراً و کان ذلک علی الله یسیراً** ».

(خود را مکشید و دستخوش هلاک و تباهی مسازید که خداوند با شما مهربان است. هر که از روی تجاوز و ستم و ظلم چنین کند ، به زودی او را در آتش دوزخ خواهیم افکند و این برای خدا آسان است.)

حضرت علی کرم الله وجهه می فرماید : «**مومن کسی است که به هر طریق، الا خودکشی بمیرد**».

در دین اسلام ، ضمانت اجرایی ممنوعیت خود کشی ، بر پایه اصول و مبانی عقیدتی و اخلاقی استوار است. مؤمن کسی است که به حاکمیت خدا بر جهان و انسان اعتقاد کامل دارد و معتقد است که خداوند انسان را به سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته و هیچکس نمی تواند این حق خدا داد را از انسان سلب کند . فرد مؤمن در زندگی اجتماعی و در مواجهه با مسائل و مشکلات روزمره، با تلاش و کوشش و نیروی ایمان ، از الطاف و رحمت پروردگار نا امید نمی شود ، تا اقدام به خود کشی کند . در نتیجه ، اگر انسان ها آگاهانه اقدام به خود کشی نمایند ، به این سبب که حیات خود را بر خلاف امر الهی سلب کرده اند ، **بی ایمان از دنیا خواهند رفت** . بدین اساس خود کشی در اسلام و شریعت اسلامی ، امری اخلاقی ، درونی و دینی است و همین امر در طول تاریخ موجب گردیده است که آمار خودکشی در بین مسلمانان با آمار خود کشی سایر ملل قابل مقایسه نباشد.

دین اسلام ریختن خون ناحق را منع نموده و در حدیث متبرک آمده است:

« **اول ما یقضى بین الناس يوم القيامة فی الدماء** » (**اولین چیزی که بین مردم در روز قیامت به فیصله میرسد خون ناحق است**) (بخاری : ۶۵۳۳ مسلم ۱۶۷۸)

امام نووی در شرح حدیث متبرک میفرماید: (در این حدیث راجع به حفظ جان تاکید بیشتر صورت گرفته است که در روز قیامت اولین فیصله را جع به همین موضوع میباشد)

همچنان محمد صلی الله علیه و سلم در حدیث دیگری میفرماید : « **لا یزال المومن معقلاً صالحاً ما لم یصب دماً حراماً** » (**مسلمان پابند به دین و نیکو کار باقی می ماند مادامی که خون ناحق را نریزد**) (ابو داود : ۴۲۷)

همه این هدایات اسلامی ما را بدین امر معتقد می سازد که : جان و نفس انسان در دین مقدس اسلام از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و اسلام حرمت گذاشتن به آن را تاکید اکید نموده است و انسانها را از خطر آن با خبر ساخته است .

امام ابن حجر عسقلانی (رح) در تفسیر حدیث مذکور میفرماید : « در حدیث متذکره از بزرگی امر ریختن خون ناحق ، بحث صورت گرفته است. اولین چیزی را که انسان از این امر پیامبر محمد لی الله علیه و لم استباط مینماید : اهمیت موضوع ، بزرگی گناه و سترش فساد ناشی از این عمل منفور است که به ریختن خون ناحق مصالح علیای جامعه بر هم خورده و ساس زندگی انسانها مورد سؤل قرار میگیرد) (فتح الباری : ۱۱ - ۴۸۲)

دین مقدس اسلام قتل انسان بیگناه را به صورت مطلق منع فرموده و پیامبر عالم بشریت محمد صلی الله علیه و لم در حج الوداع یا آخرین حج این فیصله بزرگی آسمانی را که نباید انسانهای بیگناه به ناحق به قتل رسانده شود، با صراحت و وضاحت تام بیان داشت و فرمود :

« فان دماء م و مو الکم و عراضکم حرام علیکم کحرمة یومکم هذا فی شهر کم هذا فی بلد کم هذا. (ریختاندن خون ، خوردن مال و یختن آبروی شما حرام است ، مانند حرمت امروز (روز عرفه) و انند حرمت این ماه (ذوالحجة الحرام) و انند حرمت این شهر (مکه مکرمه) .

دین مقدس اسلام هیچ استثنایی را در ریختن خون دیگران بجز زناکار «محسن» قاتل و اشخاصی که دینش را ترک نماید (مرتد) نمی پذیرد . چون پیامبر اسلام فرموده است « لا یحل دم امرئ مسلم یشهد ان لا اله الا الله وانی رسول الله الا با حدی ثلاث : الثیب الزانی و لنفس با لنفس والتارک لدینه المفارق للجماعة » (بخاری ۶۸۷۸ مسلم ۱۶۷۶) «ریختن خون هر انسانی که به وحدانیت خداوند (ج) و سالت برحق محمد صلی الله علیه و لم شهادت دهد حرام است. به جز مرد زن دار و ن شوهر داری که زنا کند. و ردی که کسی را به قتل برساند. کذا شخصی که دین خود را ترک نمود و رتد شده از جماعت مسلمانان بیرون شود.»

علمای اسلام با استنباط از آیات قرآنی و حدیث نبوی قتل و عمال انتحاری و ود کشی را و تی برداشتن سلاح علیه مسلمانان را حرام اعلام داشته و ترا خلاف احکام صریح اسلام میدانند :

پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و لم در این رابطه میفرماید : « من حمل علینا السلاح فلیس منا » (بخاری ۷۰۷۱ مسلم : ۱۶۳) اگر شخصی مسلمانی را با اسلحه هدف قرار دهد یا تهدید کند ، و یا توسط سلاح خود کسی را با قتل رسانید و یا سبب اذیت و آزار مسلمانان شد ، موصوف گنهگار پنداشته میشود .

ابن ملقن می فرماید : « حدیث فوق بر حرمت قتل مسلمانان دلالت نموده و این امر را نهایت بد و زشت معرفی داشته است. محض سلاح بدست داشتن که بر مصالح شرعی نبوده باشد ، محکوم بوده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم از آن نهی فرموده است ، حتی در دست داشتن شمشیر بدون غلاف را منع نموده و فرموده است که بدون ضرورت ، شمشیر خود را از غلاف آن بیرون نکنید ، و به سنگریزه و سایر آلات جارحه برادر مسلمان خود را نشانه نگیرید.

همه اینها به احترام متقابل مسلمانان ، دلالت مینماید و از کار برد اشیا و وسایلی که سبب جریحه دار شدن مسلمانان گردد ، منع فرموده است تا کرامت آنها حفظ گردد .» (اعلام لابن ملقن : ۱۰ - ۳۷۸)

وفا بر عهد و پیمان

مسلمان نباید خلاف عهد و پیمان خویش عمل نماید :

زمانیکه یک مسلمان با اخذ ویزه وارد یک کشور اروپایی میگردد و یا هم بنا بر عواملی بحیث پناهنده در کشوری ثبت نام میکند در حقیقت عهد و پیمانی است که با آن کشور می بندد ، و تعهد می سپارد تا تمام قوانین آن کشور را مراعات و مطابق آن رفتار نماید. بناءً قتل باشندگان و ایجاد دهشت و نا امنی در این کشور ها مطابق هدایات اسلامی حرام و ممنوع میباشد :

چنانچه خداوند پاک میفرماید :

« قل تعالوا اتل ما حرم ربکم علیکم الا تشرکوا به شینا و با لوالدین احسانا و لا تقتلوا اولادکم من املق نحن نرزقکم وایاهم و لا تقرّبوا الفواحش ما ظهر منها وما بطن ولا تقتلوا النفس التي حرم الله الا بالحق ذالکم وصکم به لعلکم تعقلون »

(بگو ای پیامبر : بیانید تا آنچه را که پروردگارتان بر شما حرام کرده است برای شما بیان کنم ؛ در قدم اول هیچ شریکی بخدا نیاورید و به پدر و مادر تان احسان کنید. و اولاد تان را از بیم فقر نکشید، ما شما و آنها را روزی میدهیم و به کارهای بد و زشت چه آشکار و چه پنهان نزدیک نشوید. و نفسی را که خدا حرام کرده جز به حق به قتل نرسانید. اینها که خداوند شما را بدان سفارش نموده است ، تا تعقل کنید) (انعام : ۱۵۱)

پرورگار ما از مخالفت به عهد در چندین آیه متبرکه منع فرموده و به پیروان خویش اکیداً امر نموده است تا به عهد و پیمان خویش وفا نمایند :

« و اوفوا با لعهء ، ان العهء کان مسؤولا » (و به عهد خود وفا کنید که از عهد و پیمان ووال خواهد شد) (سوره بنی اسرائیل آیه : ۳۴)

قرآن عظیم الشان در جای دیگر میفرماید :

« و افوا بعهد الله اذا عاهدتم و لا تنقضوا الایمان بعد توکیدها ، و قد جعلتم الله علیکم کفیلا ، ان الله یعلم ما تفعلون » (سوره نحل : آیه ۹۱)

« به پیمان خدا (که با همدیگر می بندید) وفا کنید هر گاه که بستید ، و سوگند ها را پس از تاکید (آنها با قسم به نام و ذات خدا) نشکنید ، در حالیکه خدای را آگاه و گواه (بر معامله و وفای بعهده) خود گرفته اید. بی گمان خدا می داند آنچه را که می کنید . « و بعهده الله او فوا ذالکم وصکم به لعکم تذکرون » (سوره الانعام آیه : ۱۵۲) « و به پیمانی که با خدا بسته اید وفا کنید. اینست همان سفارشی که خدا بشما نموده است تا باشد که متذکر و هوشمند شوید .

قتل و کشتن زنان و اطفال

دین مقدس اسلام کشتن زنان و اطفال را حتی در میدان جنگ هم نیز حرام قرار داده است . در صحیحین از عبد الله ابن عمر (رض) روایت است که : « در یکی از غزوات پیامبر صلی الله علیه و سلم زنی کشته شده را یافتند ، پیامبر صلی الله علیه و سلم کشتن زنان و اطفال را منع قرار داد . » (بخاری ۳۰۱۴ مسلم ۱۷۴۴)

امام نووی در شرح مسلم می نویسد : « تمام علما بر عمل کردن به مقتضای این حدیث ، اتفاق نظر دارند و کشتن زنان و کودکان را حرام میدانند ؛ مادامی که ایشان در میدان نبرد مستقیماً وارد جنگ نشده باشند ، اگر در میدان جنگ ، مسلح دیده شوند ، به قتل آنها اتفاق نظر نیز وجود دارد . » (شرح مسلم نووی جلد ۶ صفحه ۳۳۴)

دین مقدس اسلام حملات ناگهانی و انتحاری را حتی بالای اطفال و زنان غیر مسلمان ممنوع قرار داده است و به هیچ صورت آنرا جایز ندانسته و نمیدارد .

امام مالک و اوزاعی میگویند : « کشتن زنان و کودکان به هیچ صورت جواز نداشته ولو که دشمنان اسلام ایشانرا سپر خود هم قرار داده باشند . »

همچنان امام شافعی قتل زنان را جایز نمیداند ، مگر در صورتیکه در میدان جنگ به امور جنگی مشغول باشند. ابن حبیب مالکی نیز بر عدم جواز قتل زنان مگر در حالت مبادرت به جنگ ، آنها در میدان نبرد نظر دارد . (فتح الباری ۶ / ۱۷۸ - ۱۷۹)

امام ابن حجر عسقلانی اتفاق علما را بر منع کشتن زنان و کودکان نقل نموده میفرماید : « زنان همانند کودکان بنابر اینکه ضعف جسمانی و فزیکری دارند ، کمتر تصور می رود که به جنگ مبادرت ورزند . »

ابن قیم جوزی (رح) می فرماید : در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و سلم آمده است که می فرمایند : « المسلمون تتكافؤ دما نهم ویسعی بذمتهم أدناهم »

احراق و مثله

پیامبر صلی الله علیه و سلم سوختاندن حیوانات ، حریق درختان میوه دار را اجازه نداده . هدایات خاصی را در برخورد با طبیعت صادر نموده است .

در حدیث متبرکه با صراحت خاصی حتی حریق حیوانات ممنوع اعلام گردیده است : « نَهَى (رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) أَنْ يُحْرَقَ شَيْءٌ مِنَ الْحَيَّوانِ بِالنَّارِ »

پیامبر اسلام از به آتش کشیدن موجود جاندار بصراحت تام نهی کرد.

در تعداد زیادی از احادیث نبوی آمده است که : عذاب کردن به آتش کشیدن ، مخصوص خداوند است و کسی جز پروردگار حق این را ندارد.

مثله

موضوع مثله یکی از موضوعات اساسی در دین اسلام بشمار میرود . پیامبر اسلام مثله را در مبارزات نظامی و حربی از لحاظ شرعی ممنوع قرار داده است .

مثله یعنی بریدن گوش ، بینی ، زبان ، دست و پا قطع کرده انگشتان و امثال آن ؛ این امر ، هم در مورد اسیر و هم در مورد کشته شدگان جنگ جایز نیست . و ممنوع اعلام گردیده است .

در حدیث متبرکه که روای آن حضرت علی کرم الله وجهه می باشد گفته است که محمد صلی الله علیه و سلم فرموده است :
« إِيَّاكُمْ وَ الْمُثْلَةَ وَ لَوْ بِالْكَلْبِ الْعَفُورِ »

از مثله کردن بپرهیزید، هر چند در مورد سگ آزار رساننده هم باشد.
همچنان زمانیکه پیامبر صلی الله علیه و سلم نیروهای خویش را به جبهات جنگ اعزام میداشت اکیداً هدایات میفرمود مثله نکنید.
علماء و مفسران بدین باور و عقیده آند : در حکم منع و حرام بودن مثله فرقی نیست بین اینکه در جنگ باشد یا غیر آن ، قبل از مرگ باشد یا بعد از آن و بین اینکه دشمنان مسلمانها را مثله کنند یا نکنند، اگر چه اطلاق آیه شریفه « وَ الْحُرُمَاتُ قِصَاصٌ » جواز مقابله به مثل را می رساند، لیکن اطلاق روایات و فتاوا مقتضی عدم جواز است.

کشتن اسیر :

کشتن اسیر باید به حکم محکمه اسلامی صورت گیرد ، در غیر آن کشتن اسیر جواز ندارد . فرق نمیکند اسیری در حال جنگ دستگیر شده باشد، چه اسیری که بعد از پایان جنگ گرفتار شود. حتی اگر شخصی اسیری را به پشت جبهه منتقل شود و اسیر از راه رفتن بازماند، نمی تواند او را بکشد، چون حکم محکمه شرعی در باره آن وجود ندارد .

در یکی از احادیث آمده است :
« إِذَا أَخَذْتَ أُسِيرًا فَعَجَزَ عَنِ الْمَشْيِ وَ لَيْسَ مَعَكَ مَحْمِلٌ فَأَرْسِلْهُ وَ لَا تَقْتُلْهُ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا حُكْمُ الْقَضَا فِيهِ »
اگر اسیری گرفتی و او از راه رفتن عاجز شد و وسیله ای نداشتی که او را حمل کنی ، پس او را رها کن و نکش ، چون نمی دانی که حکم محکمه در مورد چطور است .

رفتار اخلاقی و عاطفی پیامبر رحمت در جنگ بادشمنان کینه توز بسیار عجیب است از جمله این که در جنگ حنین نه فقط اکثریت را بخشید و اموال و اسیرانشان را برگرداند بلکه مالک بن عوف رهبر هوازن را نیز عفو کرد و صد اشتر به او داد و بعد از این که مالک اسلام آورد پیامبر او را به رهبری مسلمانان هوازن و بنی سعد که به نوشته ابی هاشم شش هزار نفر بودند گمارد و بنی سعد را بخشید.

گناه کمک به اعمال انتحاری و خود کشی

در این بحث میخواهم همانطوریکه قتل نفس و براه انداختن اعمال انتحاری علیه انسانها بیگناه گناه کبیره بوده همین طور پناه دادن و مساعدت کردن به شخصی انتحاری که برای قتل انسانهای بیگناه مشغول است ، گناه کبیره بوده و باید مسلمانان جداً از آن خود داری نمایند :

پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده است : « لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَتَلَ بِالْمَشْرِقِ ، وَ آخِرُ رَضَى بِهِ بِالْمَغْرِبِ كَانَ كَمَنْ قَتَلَ وَ شَرَكَ فِي دَمِهِ »

(هر گاه مردی در مشرق کشته شود ، و مرد دیگری که در مغرب زندگی می کند به آن قتل راضی باشد ، مانند قاتل است و در خون مقتول شریک است.)

همچنان در حدیث دیگری آمده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم روزی از مردم پرسید :
« این مرد را چه کسی کشته است ؟ » مردم گفتند : ای رسول الله ، ما اطلاع نداریم ! پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود : آیا رواست که کشته ای از مسلمین در میان مردم باشد و آنها ندانند چه کسی او را کشته است ؟ قسم به ذات پروردگار که مرا به حق به پیامبری فرستاده ، اگر اهل آسمانها و زمین در ریختن خون مسلمانی شرکت داشته یا به آن راضی باشد ، همه را خداوند در آتش دوزخ سرنگون خواند ساخت .
والسلام علی من التبع الحق و الهدی